

اصول تربیتی مبتنی بر تغییر و تحول تدریجی از منظر قرآن و روایات

غلامحسین اعرابی*

سعید مرادی کیاسرائی**

چکیده

شیوه تدریج در «نزول و ابلاغ» یکی از مهم‌ترین روش‌هایی است که اسلام برای دستیابی به اهداف معین شده خود در جامعه و هدایت و تربیت مردم و برخورد با انحرافات و عقاید نادرست به کار گرفته است. التفات به واقعیت‌های زمانه و شرایط آن باعث شد شارع همواره سطح مخاطب، نوع معرفت انتقال داده شده و عمق تغییر در زندگی را ملاک بیان و اجرای تدریجی معارف و احکام دین قرار دهد. این مبانی که در نزول قرآن و تشریح دین در عصر نزول به کار گرفته شد، در سیره نبوی و ائمه به‌ویژه در اجرای احکام به کار رفت. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی عهده دار تبیین اصول تربیتی مبتنی بر تغییر و تحول تدریجی از منظر قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام شده است. حاصل اینکه روش تدریج و اثرات تعلیمی و تربیتی آن مبتنی بر دلایل عقلانی و به‌منظور رفق و مدارا با مردم است. بنابراین در عصر غیبت نیز توجه به این روش در اجرای احکام دور از نظر نیست.

واژگان کلیدی: نزول تدریجی، روش تربیتی قرآن، اصول تربیتی، سیره تربیتی معصومان،

تشریح تدریجی.

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم golamhosein.arabi@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول) Saeedkia1410@gmail.com

مقدمه

قرآن، این کتاب آسمانی و راهنمای کل بشر و محور همه قوانین حقوقی و اجتماعی و سیاسی و عبادی مسلمانان، کامل و یک جا بر پیامبر اسلام ﷺ نازل نشد، بلکه پیوسته از آغاز تا انجامش کتابی است که با حوادث عصر خود یعنی با ۲۳ سال دوران نبوت پیامبر اسلام ﷺ و رویدادهایش پیوند و ارتباطی ناگسستگی دارد.

متفکران اسلامی که به «حکمت الهی» در تشریح اعتقاد دارند، «تدریج در تشریح» را برخاسته از «درک حکیمانه» و نگاه واقع بینانه به وضع زندگی بشر دانستند؛ زیرا «شریعت» به اقتضای «طبیعت» بشر است و تغییر خلق و خو و تصحیح رفتارها در طبیعت انسان، امری تدریجی است. لذا شریعت هم باید به صورت تدریجی، بیان و اجرا شود تا به مرور زمینه‌های عینیت یافتن آن به وجود آید.

پیش از این، درباره نزول تدریجی قرآن و بیان احکام آن در کتب علوم قرآن و تفسیر بحث شده است. علاوه بر این، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع «بررسی نظریه تدریج در سیر تشریح احکام قرآن» از مصطفی شادمان در سال ۱۳۹۳ در دانشگاه تهران دفاع شده است. موارد یادشده بیشتر بیانگر تدریجی بودن تشریحات قرآن بوده و به مباحث تربیتی آن توجه نشده است. همچنین به این موضوع به تناسب، در کتب فقهی و از منظر فقهی پرداخته شده است. گاهی هم، مانند مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر تحلیل تربیتی احکام فقهی: عرصه‌ای نو در تعلیم و تربیت» (همت بناری، ۱۳۹۶، ص ۳۷-۶۲) به نکات تربیتی احکام فقهی توجه شده است. اثری دیگر در پیشینه

این کار، اثری با عنوان «سیر تدریجی تبلیغ امر به معروف و نهی از منکر در قرآن» است (کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، انسانی، آذر ۱۳۹۵) که صرفاً به بیان سیر تدریجی این مورد خاص پرداخته و به مسائل تربیتی آن بی توجه بوده است.

این پژوهش، ضمن تبیین اصول تربیتی، بیان و اجرای تدریجی در قرآن، به این سؤالات نیز پاسخ می‌دهد: که آیا این روش، تنها ویژه قرآن است یا در سنت نبوی و عصر ائمه، شواهدی دال بر بیان و اجرای تدریجی، مبتنی بر اصول تربیتی هست؟ آیا می‌توان این روش تربیتی قرآنی را در دوره غیبت معصوم نیز به کار گرفت و هم‌چنان برای اجرای احکام از اصل تدریج و ثمرات تربیتی آن بهره برد؟

۱. قرآن کریم و اصول تربیتی مبتنی بر تغییر و تحول تدریجی

قرآن کریم برای ابلاغ پیام و برقراری ارتباط با مخاطبانی که قصد هدایت و اصلاح آنان را دارد، از زبان و فرهنگ آن قوم، کمک گرفت که برای آنان مأنوس و آشنا بود. این امر نه به معنای تأثیرپذیری از فرهنگ زمان است، بلکه نشان می‌دهد صاحب وحی، آگاه از واقعیت‌ها و جریان‌های زمان، از جمله شرایط اجتماعی و فرهنگی و مصالح موجود مردم آن عصر، در جهت تصحیح و هدایت است.

فرهنگ‌سازی قرآن و شیوه تربیتی که در دوره نزول قرآن، موجب تحولات جامعه شد، از سه شیوه: بیان تدریجی مجموعه احکام و معارف و حیانی دوره نزول قرآن، بیان نوع خاصی از تشریح و تعلیم معارف توحیدی و بیان مرحله‌ای و تأخیری برخی احکام خاص بهره برد؛ اما اتخاذ این روش بر چه مبانی و اصولی استوار است؟ در ادامه خواهد آمد.

۱-۱. تدریج در بیان معارف بر اساس سطح مخاطب

بدوی بودن فرهنگ مردم در عصر نزول و درک محدود آن‌ها به عنوان مخاطبان اولیه قرآن موجب شد احکام به صورت تدریجی و گام به گام برای مردم عصر نزول تشریح

و تبیین شود. تدریجی بودن تشریح احکام، راهی برای حصول استعداد و آمادگی بیشتر مردم در به کار بستن مقررات اسلام و ناشی از لطف و رحمت الهی برای به سختی و رنج نیفتادن مسلمانان بود (اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۹). بنابراین قرآن به تدریج نازل و ابلاغ می‌شد تا جامعه قدرت جذب و پذیرش آن را با آمادگی بیشتر و بهتر داشته باشد (شهابی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۵).

قرآن کریم در تربیت اولین نسل مخاطبان خود، با خشونت، شدت و سرعت، اعمال حکم نکرد و با ظرافت ابتدا آمادگی لازم و فضای ذهنی مناسب را در جهت درک و دریافت معارف توحیدی مهیا ساخت؛ سپس به تدریج و پله پله او را به حکم مطلوب رساند؛ چنان که رامیار می‌نویسد:

«حرکت تاریخی اسلام و تحرکی که در مسلمان‌ها ایجاد کرد و شور و نشاطی که در پیکر جامعه بشری دمانید، آن روح قوی و پرصلابت مسلمان‌ها، آن ایثار و فداکاری‌ها، آن گذشت‌ها و بذل جان‌ها، همه و همه جریان عظیمی بود که از حرکت و ایمان مسلمین صدر، مایه می‌گرفت و آن حرکت و ایمان، هیچ سرّ و رمزی نداشت، جز این نزول تدریجی آیات» (رامیار، ۱۳۶۹، ص ۲۰۱-۲۰۲).

۱-۲. تدریج در بیان با توجه به نوع معرفت

درباره چگونگی تعلیم معارف اعتقادی، اخلاقی و فقهی در سیر نزول ۲۰ یا ۲۳ ساله وحی، غالب دانشمندان و پژوهشگران قرآنی بر این عقیده‌اند که اعتقادیات و اخلاقیات، بیشتر در مکه و احکام فقهی، عمدتاً در مدینه نازل شده است و این را به‌عنوان یکی از ملاک‌های تمایز آیات و سوره‌های مکی و مدنی، مطرح کرده‌اند (ر.ک: رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۰۶-۶۰۷ و معرفت، ۱۳۸۲، ص ۵۱ و زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۷۵-۲۷۸ و

زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۰-۱۹۱ و ۱۹۵-۱۹۷ و سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۸۱-۸۲ و معارف، ۱۳۸۳ش، ص ۶۶-۶۷ و ۱۰۵-۱۰۶). این نه بدان معناست که در دوره مکه احکام فقهی بیان نشده (زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۱ و معرفت، ۱۳۸۱، ص ۸۷ و حکیم و لسانی فشارکی، ۱۳۷۸، ص ۸۵) یا در دوره مدینه، بحثی از اعتقادات و اخلاق به میان نیامده، بلکه نظر اکثر قریب به اتفاق محققان این است که موضوعات اعتقادی، اخلاقی و فقهی را هم در آیات مکی و هم در آیات مدنی، می توان سراغ گرفت (زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۲).

پس تفاوت اساسی سور مکی و مدنی، در اصل مطرح شدن و نشدن این مطالب در آن دو دوره نیست، بلکه آنچه به عنوان تفاوت اساسی آیات و سور مکی و مدنی مورد توجه است، نحوه طرح و بیان این سه دسته از مطالب و معارف و حیانی است؛ به این معنا که در مکه، سیر تعلیم از اعتقادات به اخلاق و احکام بوده است و در مدینه به عکس از احکام به اخلاق و اعتقادات، و این سیر نیز یا بر اساس اغلیت [اکثریت] است یا اولویت.

بر اساس اغلیت، با نگاهی آماری به آیات و سوره های مکی و مدنی درمی یابیم که در مکه، بالاترین فراوانی به آیات اعتقادی و سپس آیات اخلاقی و از آن پس آیات احکام مربوط است (ر.ک: رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۰۶-۶۰۷ و معرفت، ۱۳۸۲، ص ۵۱ و زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۷۵-۲۷۸ و زرقانی بی تا، ج ۱، ص ۱۹۰-۱۹۱ و ۱۹۵-۱۹۷ و سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۸۱-۸۲ و معارف، ۱۳۸۳، ص ۶۶-۶۷ و ۱۰۵-۱۰۶). در مقابل، در مدینه بالاترین حد نمودار به احکام و معارف فقهی اختصاص دارد و بعد از آن، اخلاق قرار دارد و کمترین، از آن آیات اعتقادی است (بازرگان، ۱۳۸۶، ص ۲۵-۲۸).

بر پایه اولویت که به معنای محوریت است، در مکه بیشتر بر فکر و اندیشه مخاطبان و شکل دهی مبانی اعتقادی آنها تکیه شده است. سپس ایجاد ملکات اخلاقی و در آخر تبلیغ احکام فردی و اجتماعی، مد نظر است. در مدینه، سامان دهی

نظام فردی و اجتماعی (احکام) اولویت نخست است و اخلاق و اعتقادات در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

به نظر می‌رسد که این نگاه به حکم عقل نیز مورد تأیید است؛ زیرا در فضای شرک آلود و مملو از آداب زشت و ناپسند جاهلی مکه، برای ایجاد تمدن و حیانی اسلام، بیش و پیش از هر چیز باید ساختارها و مبانی ذهنی و ثنیت [بت پرستی] را ریشه کن ساخت و جهان‌بینی الهی و توحیدی را جایگزین آن کرد و بعد به زدودن آداب و رسوم جاهلی همت گمارد و مردم را به اخلاق اسلامی متخلّق ساخت و در آخر، عمل به اوامر و نواهی فقهی را خواستار شد. بدیهی است در چنین فضایی و برای تأمین چنان هدفی، نمی‌توان ابتدا امثال احکام فقهی را مطالبه یا سجایا و ملکات اخلاقی را درخواست کرد.

در مقابل، در مدینه که جامعه اسلامی و دینی شکل گرفته است و مردمی با بنیان‌ها و بنیادهای فکری توحیدی و تا حدودی متخلّق به اخلاق اسلامی و مؤدب به آداب الهی کنار هم جمع شده‌اند، دیگر مثل جامعه مکی ضرورت ندارد که اعتقادات، اولویت نخست باشند و تعلیم الهی همان سیر را داشته باشد، بلکه در چنین فضایی برای تثبیت تمدن و حیانی اسلام، باید به دنبال تکثیر و تداوم عمل به احکام شریعت بود تا در سایه آن ملکات اخلاقی، تثبیت شوند و به دنبال آن جوهره اعتقادی و ایمانی مسلمانان توسعه یابد (اسماعیلی زاده، ۱۳۸۹، ص ۵۱-۸۴ و زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۲).

۱-۳. تدریج در بیان با توجه به عمق تغییر

توجه شارع به موضوعات و احکامی که دگرگونی اساسی در زندگی مردم ایجاد می‌کرد، موجب شد این احکام به تدریج بیان و اجرا شود؛ زیرا امکان بیان و اجرای آن‌ها در بین مردم، یک باره حتی پس از گذشت سال‌های اولیه بعثت وجود نداشت

و آیات قرآن و همچنین روایات تاریخی در این زمینه بر نزول تدریجی برخی اجزای آن‌ها تصریح دارند.

به تعبیری، قرآن علاوه بر آن که خود، به تدریج بر پیامبر ﷺ نازل و به مردم ابلاغ می‌شد، در تشریح برخی اصول و فروع و در بیان واجبات و محرمات و حتی اخلاقیات نیز شیوه تدریج را به کار گرفته و عنصر زمان و مکان را رعایت کرده است؛ از این رو احکام و قوانینی که از بین بردن آن مستلزم زمانی طولانی تر بود، مثل بیان تدریجی حکم شراب (ر.ک: شهابی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۶۷- ۲۶۸، ۲۷۰ و طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۹۳ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۷۰ و قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۰۱)، تحریم تدریجی ربا (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲، ص ۲۸) و بیان تدریجی حکم برده‌داری (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۴۱۳ و ۴۱ و طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۳۴۳ و مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۰-۱۷۴) با در نظر گرفتن همین اصل بود و احکام و قوانینی که ایجاد آن‌ها نیازمند آمادگی بیشتر بود، همانند حکم زکات (شهابی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۵۳ و سویلم، ۱۴۲۸ق، ص ۲۶-۲۷) و وجوب حکم حجاب (جعفری، ۱۳۹۴، ص ۹۷- ۱۱۸ و نیز ر.ک: سعیدی، ۱۳۹۳) و تشریح حکم جهاد (بازرگان، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳ و ۱۳۶- ۱۵۲ و رامیار، ۱۳۶۹، ص ۵۶۸ و معرفت، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۸۵- ۲۸۶ و ۳۱۵-۳۱۶)، با تدریج و تأخیر بود.

۲. سنت و اصول تربیتی مبتنی بر تغییر و تحول تدریجی

پیش‌تر روش تربیتی قرآن که مبتنی بر تدریج و با توجه به شرایط و مقتضیات بود، بیان شد. باید دید آیا این روش، تنها در نزول قرآن، مورد توجه شارع بوده است یا در سنت نبوی و ائمه نیز می‌توان شواهدی بر تدریجی بودن بیان و اجرای دین یافت. بدون شک بخش عظیمی از حقایق و معارف قرآن توسط پیامبر اکرم ﷺ برای مردم گفته و اجرا شد و پس از پیامبر حفظ و تبیین آن به اهل بیت علیهم‌السلام واگذار گردید.

معصومان نیز از تغییر و تحول تدریجی به عنوان شیوه‌ای برای ایجاد تغییر و تحول مردم عصر خود و هدایت آن‌ها در مسیر بندگی بهره بردند.

۲-۱. تدریج با توجه به ظرفیت مخاطب

پیامبر اسلام ﷺ با شناخت کامل مخاطبان برای هدایت آن‌ها شیوه‌های متفاوتی به کار گرفت و با آنان به اندازه فهم و درکشان سخن گفت؛ چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هیچ‌گاه پیامبر ﷺ با مردم از عمق عقل خویش سخن نمی‌گفت، بلکه می‌فرمود: ما گروه پیغمبران مأموریم با مردم به اندازه عقل خودشان سخن گوئیم» (همان، ج ۱، ص ۲۳).

در کتاب کافی یک باب در خصوص ضرورت توجه به اقتضای روحيات و گرایش‌های مردم در اعلام و اجرای احکام دینی و استفاده از شیوه تدریج وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، باب «أَنَّ الْخَمْرَ لَمْ تَزَلْ مُحَرَّمَةً»، ج ۶، ص ۳۹۵، ح ۱، ۲، ۳). در روایات اول این باب، امام صادق علیه السلام، پس از اشاره به همیشگی بودن حرمت شرب خمر، از علت تأخیر در بیان آن سخن می‌گوید و می‌فرماید:

«خداوند هیچ‌گاه پیامبری مبعوث نکرد، مگر آنکه در علم خداوندی چنین بود که هنگامی که دین را برای او کامل کرد، حرام بودن شراب در آن هنگام باشد و همیشه شراب حرام بوده است. به‌راستی که دین از یک حکم به حکم دیگر منتقل می‌شود و اگر [احکام] دین یک‌باره بیان می‌شد، مردم در مقابل دین در مانده می‌شدند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۹۵، ح ۱).

در روایت دوم این باب امام باقر علیه السلام همان قاعده را فرموده‌اند: احکام دین یکی پس از دیگری و به تدریج می‌آید تا برای مردم قابل قبول باشد (ر.ک: همان، ح ۲). روایت سوم نیز ضمن تکرار این مضمون علت تدریج را رفق و مدارای الهی دانسته

است؛ زیرا اگر همه احکام را یک باره بر آنان قرار می داد، هلاک می شدند. چنان که آمده است:

«مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا وَفِي عِلْمِ اللَّهِ أَنَّهُ إِذَا أَكْمَلَ دِينَهُ كَانَ فِيهِ تَحْرِيمُ
الْخَمْرِ وَ لَمْ تَزَلِ الْخَمْرُ حَرَامًا وَ إِنَّمَا يُنْقَلُونَ مِنْ خِصْلَةٍ إِلَى خِصْلَةٍ وَ لَوْ حُمِلَ
ذَلِكَ عَلَيْهِمْ جُمْلَةً لَقُطِعَ بِهِمْ دُونَ الدِّينِ قَالَ وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام لَيْسَ أَحَدٌ
أَرْفَقَ مِنَ اللَّهِ فَمِنْ رَفَقِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنَّهُ نَقَلَهُمْ مِنْ خِصْلَةٍ إِلَى خِصْلَةٍ وَ لَوْ
حَمَلَ عَلَيْهِمْ جُمْلَةً لَهَلَكُوا» (همان، ح ۳).

عبارت «قطع بهم دون الدین» به معنای آن است که اگر توقع دین داری یک جا وجود داشته باشد، این هدف تحقق نمی یابد و این بار به منزل نمی رسد (الف: مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۳۳۴ و ب: مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۲۹۲). فیض کاشانی در توضیح این روایت گفته است: یعنی خداوند سبحان تکالیف و دستورهای خود را تدریجاً و به مرور ارائه می کند تا قلب مردم آن را بپذیرد؛ درحالی که اگر دفعتاً واحده بر ایشان قرار می گرفت، از دین نفرت پیدا می کردند و ایمان نمی آوردند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۰، ص ۵۹۹). از آن نظر که افراد در ایمان متفاوت اند، مدارا اقتضا می کند کسی به دلیل پایین بودن درجه ایمان در انزوا قرار نگیرد و متناسب با آن بازخواست شود. از این رو در سیره معصومان: می بینیم آن بزرگواران تأکید فراوانی بر این مسئله کرده اند؛ به گونه ای که یکی از شیعیان در حضور امام صادق عليه السلام از جمعی یاد می کند و می گوید ما از آنان بیزاری می جوئیم؛ زیرا آنان به آنچه ما قائلیم، قائل نیستند. امام در جواب می فرماید:

«اگر چنین است، ما هم از مزایایی برخورداریم که شما از آنها بی بهره اید. پس ما هم باید از شما بیزاری جوئیم؟ و خدا هم حقایقی می داند که ما نمی دانیم. به نظرت ما را دور می اندازد؟»

سپس امام با تشویق به رفق و مدارا، سهم مردم از دین‌داری را مختلف می‌داند و می‌فرماید:

«سزاوار نیست بر دوش آن‌که از اسلام یک سهم دارد، به اندازه‌ی آن‌که دو سهم دارد، بار بگذاریم... و آن‌که شش سهم دارد، بر عقیده و ایمان آن‌که هفت سهم دارد، وادار شود. بر آنان سخت نگیرید، مگر نمی‌دانید که امامت ما بر رفق و مدارا و انس و وقار است. مردم را به دینتوان و آنچه بر آید، ترغیب کنید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۳-۴۴ و حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۶۰-۱۶۱).

۲-۲. تدریج با توجه به نوع معرفت

سنت نبوی و سیره ایشان با نزول تدریجی قرآن گره خورده است. بنابراین برخی موارد همچون اولویت‌بندی در معارفی که باید به مردم آموخته شود، در کنار تدریج نزول قرآن معنا پیدا می‌کند. رسول خدا ﷺ بر اساس آموزه‌های قرآن، رسالت خود را از تحول در زیرساخت‌های فکری جامعه آغاز کرد و در مرحله نخست بنیادهای اعتقادی مردم را تغییر داد و آنان را از شرک به توحید درآورد. سپس به تحکیم اصول اخلاقی پرداخت و بعد از آن، شریعت در قالب اصولی روشن، ارائه و درنهایت این مجموعه «اعتقاد، اخلاق و فقه»، به جهانیان عرضه شد:

«بیایید تا آنچه را حرام شده، برایتان بازگو کنم: به خداوند شرک نوزید؛ به والدین خود نیکی کنید؛ فرزندان خویش را از ترس گرسنگی نکشید؛ به کارهای زشت نزدیک نشوید؛ انسان بی‌گناه را به قتل نرسانید؛ به مال ایتام دستبرد نزنید؛ کیل و وزن را عادلانه تحویل دهید؛ در گفتارتان عدالت را رعایت کنید؛ به پیمان‌هایتان وفادار باشید؛ سفارش خداوند و صراط مستقیم این است: ﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ...﴾ (انعام: ۱۵۱-۱۵۲).

قرآن در گام‌های نخست، همه دستوره‌های الهی را به گونه‌ای جمع کرده که حتی عقل افراد عامی و کوتاه‌فکر از پذیرفتن آن سر باز نمی‌زند؛ زیرا هرکس کمترین خردی داشته باشد، در ضرورت «پرهیز از زشتی‌ها» تردید نمی‌کند و هیچ‌کس «بدی به پدر و مادر» یا «قتل فرزند» یا «خوردن مال یتیم» را به حکم فطرت خویش و عواطف انسانی نمی‌پسندد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۷۲-۳۷۳).

آنچه در این دوره از مردم خواسته می‌شد، نه به لحاظ کمیّت، مشتمل بر تکالیف بسیار و فراوان و نه به لحاظ کیفیت، دربردارنده دستوره‌های سخت و سنگین بود. در همین شرایط بود که مواد شریعت به شکل تدریجی ارائه می‌شد و مسلمانان در ارتکاب بسیاری از رفتارهایی که در واقع حرام بود، آزاد بودند (سروش محلاتی، ۱۳۹۵، ص ۱۰-۱۱).

۲-۳. تدریج با توجه به عمق تغییر

برخی دستوره‌های دینی، تغییر مهمی در زندگی مردم ایجاد می‌کنند. یکی از مهم‌ترین نمونه‌هایی که قرآن برای بیان حکم آن با تدریج عمل کرد، آیات تحریم تدریجی خمر است.

این روش، در سنت معصومان علیهم‌السلام نیز ادامه یافته است؛ به طوری که قرآن «کیفر و حدی» برای شرب خمر بیان نکرده است؛ اما مجازات شکستن آن در سنت بیان شده و در این مجازات نیز، تدریج در نظر گرفته شده است؛ به طوری که به نقل از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

«رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مجازات شرب خمر به تنبیه خطاکار به وسیله ضربه کفش اکتفا کرد. سپس به مرور این مجازات افزایش یافت و تدریجاً به هشتاد تازیانه رسید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۱۴-۲۱۵).

به تعبیر فیض کاشانی، همان‌گونه که اصل تحریم شرب خمر سیری تدریجی

داشت، مجازات شاربان خمر نیز همین مسیر را طی کرد و یک‌باره در این زمینه، سخت‌گیری و اعمال فشار نشد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۵، ص ۳۸۹)؛ زیرا اگر پیامبر اسلام ﷺ در اقدامی انقلابی و با تصمیمی یک‌باره مبادرت به ریشه‌کن کردن فساد می‌کردند و با اعمال قدرت، جلوی گناهان را می‌گرفتند و همه ابعاد شریعت را دفعتاً به اجرا می‌گذاشتند، بی‌تردید، برای مردمان، دشوار و سخت می‌آمد و فقط افراد نادری به آن گرایش پیدا می‌کردند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۵۷).

پیامبر اسلام ﷺ در دعوت به اسلام هرگز به زور و اجبار متوسل نمی‌شد؛ تا آنجا که در سرزمین‌هایی که فتح می‌کرد، مردم را بین دو کار مخیر می‌گذاشت: یا اسلام بیاورند و در شمار مسلمانان باشند یا در دین خود باقی بمانند و از نظر سیاسی حاکمیت حاکم را بپذیرند (عبدالمحمدی، ۱۳۸۵، ص ۸۵-۱۰۶)، لذا دعوت اسلام در اظهار احکام خود و اجرای آن، راه تدریج را پیش گرفته و رعایت ارفاق را کرده تا مردم به خوبی و با حسن قبول با آن مواجه شوند و فهم آنان نیز پذیرش و کشش چنین امری را داشته باشد؛ چرا که تصور پذیرش همه معارف اعتقادی، اخلاقی و کلیات احکام عبادی و عمل به آن‌ها، تأثیر و حاکم‌سازی آن دستورها بر قلب و اراده و اعضا و جوارح در وهله نخست، غیرممکن و بعید به نظر می‌رسد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۶۰).

یکی دیگر از نمونه‌های تأخیر در اجرای حکم و رعایت تدریج در آن، مسئله خمس ارباح مکاسب (درآمد انواع کسب‌ها) است.

اصل و اخذ و جوب خمس با توجه به آیه خمس (انفال: ۴۱) و بعضی روایاتی که از پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیه السلام وارد شده، قطعی و مسلم است (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، «کتاب الخمس»، ج ۹، ص ۴۸۳-۵۰۸) و بر اساس شواهد تاریخی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام، هم خمس غنائم و هم خمس غیر غنائم مثل خمس گنج‌ها یا خمس معادن دریافت می‌شد؛ اما تاریخ، در خصوص جمع‌آوری خمس

ارباح مکاسب، در زمان پیامبر اکرم ﷺ و علی ؑ مطلبی نقل نکرده است. هر چند حکم آن در عصر پیامبر ﷺ ثابت و انشاء شده، تبلیغ و بیان آن برای مردم تا زمان امام باقر و امام صادق ؑ به تأخیر افتاده است. بسیاری از ائمه هدی ؑ در عصر خود نه تنها خمس ارباح مکاسب را می گرفتند، بلکه به مردم دستور مؤکد می دادند که در پرداخت این خمس کوتاهی نکنند و حتی و کلاء و نمایندگان مخصوص برای جمع آوری این خمس معین فرموده بودند و اشخاصی مانند علی بن مهزیار و ابوعلی بن راشد این وظیفه را به عهده داشتند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، «کتاب الخمس»، ج ۹، ص ۴۹۹ - ۵۰۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۲۶ و نیز ر.ک: نورمفیدی، ۱۳۹۴).

در کتاب های حدیثی، در باب جهاد، بابی با عنوان «دعاء العدو» آمده و ضمن آن در این باره مطالبی از سیره رسول خدا ﷺ نقل شده است؛ چنان که در روایتی از ابن عباس نقل شده که می گوید: هنگامی که رسول خدا ﷺ معاذین جبل را به سوی مردم یمن فرستاد، به او گفت:

«همانا تو به سوی قومی می روی که از اهل کتاب اند. لذا بر عهده توست که در ابتدا آنها را به سوی یگانگی خداوند متعال دعوت کنی و زمانی که آن را شناختند، به آنها بگویی خداوند بر شما پنج نماز در شبانه روز واجب کرده است. پس هنگامی که آن را به جا آوردند، به آنها بگو خداوند متعال بر شما زکات بر اموالتان را فرض کرده است که از ثروت مندانتان گرفته و به فقرا داده می شود و زمانی که بدان اقرار کردند، [زکات اموالتان را] از آنها بگیر» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۱۱۴، ح ۷۳۷۲).

در جهت عمل به احکام قرآن، سلسله احکام و قوانینی وجود دارد که اگر یک باره بر تازه مسلمانان عرب نازل می شد، آنها زیر بار وظایفی که در قرآن آمده، نمی رفتند و مانند یهود رفتار می کردند که تورات یک جا به ایشان نازل شد و آنها از پذیرفتن دستورهایش سر باز زدند؛ چنان که در روایتی از عایشه آمده است:

«اولین سوره از مفصلات از بهشت و دوزخ حرف می زند؛ زیرا اگر اولین آیاتی که

بر آنها نازل می‌شد، حرف از حلال و حرام می‌زد و می‌گفت شراب نخورید و زنا نکنید، آنها می‌گفتند ابدأ شراب‌خواری را ترک نمی‌کنیم و ابدأ زنا را رها نمی‌کنیم» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۱۸۵، ح ۴۹۹۳ و نسائی، ۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۲۸۳، ح ۱۱۴۹۴).

تدریج در تشریح یکی از اصول نزول احکام بر نبی مکرم ﷺ اسلام است و شاهد بر این معنا قول ابن عباس است که می‌گوید:

«وَ كَانَ صَحَابَةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَتَّبِعُونَ الْأَحْذَثَ فَلَا أَحَدٌ مِّنْ أَمْرِهِ: صحابه رسول خدا ﷺ یکی پس از دیگری از امر تازه ایشان پیروی می‌کردند».

نیز همان‌طور که زهری می‌گوید:

«وَ إِنَّمَا يُؤَخِّدُ مِنْ أَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ بِالْآخِرِ فَالْآخِرِ: صحابه رسول خدا ﷺ دستورها و اوامر ایشان را یکی پس از دیگری دریافت می‌کردند» (نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۸۴، ح ۱۱۱۳).

لذا این امر دلالت می‌کند بر اینکه تشریح غالب احکام مرحله‌ای و گام‌به‌گام بوده است و بر این اساس صحابه احکام را یکی پس از دیگری از رسول خدا ﷺ دریافت می‌کردند و حکم اولیه به صورت نهایی و یک‌باره بر آنان عرضه نمی‌شد (سویلیم، ۱۴۲۸ق، ص ۹-۱۰).

۳. تحلیل اصول تربیتی مبتنی بر تغییر و تحول تدریجی

همان‌گونه که گفتیم، تدریج در «مرحله تشریح» امری متعارف در اسلام بوده و به اقتضائات در جامعه توجه داشته و گاه اجازه داده است مردم عرف و عادت غلط خود را ادامه دهند تا فضای فکری و اجتماعی مناسب برای «قانون جدید» و بیان حکم الهی فراهم آید. همچنین اسلام در «مرحله اجرا» به این اقتضائات توجه داشته و بدون در نظر گرفتن شرایط فرد، حکم خویش را با شدت و عُنْف بر او تحمیل نکرده تا مبادا عوارض ناگواری مانند تنفر از دین پیش آید (سروش محلاتی، ۱۳۹۵، ص ۲۷-۳۰).

با نگاهی به روش قرآنی در بیان و اجرای دین و احکام آن و ادامه این روش در سنت

نوی و ائمه معصوم علیهم السلام که مبتنی بر سه اصل ظرفیت مخاطب، نوع معرفت و عمق تغییر است، می توان به مبنای مهم نهفته در این روش پی برد که همان رعایت مدارا و رفق با مردم است؛ چرا که بر پایه تعالیم قرآن، دین، دشواری تکلیف را تحمیل نمی کند: «ما یُریدُ اللهُ لِیَجْعَلَ عَلَیْكُمْ مِنْ حَرْجٍ وَلَکِنْ یُریدُ لِیُطَهِّرَکُمْ وَ لَیُبَیِّنَ نِعْمَتَهُ عَلَیْكُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ» خداوند نمی خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند، بلکه می خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام کند. شاید شکر او را به جای آورید (مائده: ۶) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۶۰).

اصل حاکم بر قوانین دینی، تسهیل و آسان گیری است: «ما جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرْجٍ»: در دین کار سنگین و سخت بر شما قرار ندارد (حج: ۷۸). «وَلَا تُکَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» و ما هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کنیم (مؤمنون: ۶۲). اسلام در دوره دعوت، راه تدریج را انتخاب کرد تا طبع مردم از پذیرفتن آن گریزان نباشد و نیز دل ها درباره اجزای دعوت، دچار تزلزل نشوند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۵۷).

مدارا به عنوان یک اصل، مورد توجه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز بود. در مدینه، حضرت با آن که قدرت حاکمیتی یافته بودند، به جهت نوپا بودن اسلام و با وجود تحریکات فراوان منافقان، سیاست مدارا با آنان را پیشه کرده، در عین کنترل اوضاع، بر آنان سخت گیری نمی کرد (جعفریان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۵۱). هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معاذبن جبل را به سوی مردم یمن که اهل کتاب بودند، فرستاد، به او فرمود:

«یَسِّرْ وَا تَعَسَّرْ وَا بَشِّرْ وَا لَا تَنْفَرْ: [بر مردم] آسان گیر و سخت نگیر و نویددهنده باش و گریزان کننده مباش» (ابن هشام، بی تا، ص ۵۹۰).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در دعوت اهل کتابی که در یمن بودند، به رفق عمل کرد تا به این وسیله تثبیتی در ایمان و نفوسشان پدیدار شود (سویلیم، ۱۴۲۸ق، ص ۱۲). ایشان همچنین به دیگر یاران و پیروانش فرمود:

«بَسِّرُوا وَا لَا تَعَسَّرُوا وَا بَشِّرُوا وَا لَا تَنْفَرُوا: بر مردم آسان بگردید و سخت

نگیرید و نویددهنده باشید و گریزان کننده نباشید» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۷۳ و مسلم، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۸۵).

از این روست که پیامبر خدا ﷺ تأکید می کند:

«ای علی، همانا این دین، متین و محکم است. در آن با نرمی وارد شو و عبادت پروردگارت را مبعوض خود مگردان؛ زیرا خسته کننده مرکب [کسی که در راندن مرکب زیاده روی کرده] نه مرکب باقی گذارد، نه مسافت پیموده شده را...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۷).

اصل رعایت حال مردم و توجه به اقتضائات به منظور رفق و مدارا با مردم، تنها ویژه عصر نزول قرآن و حضور معصوم نیست، بلکه فقهای عصر غیبت نیز آن را به عنوان اصلی تربیتی پذیرفته اند؛ زیرا تدریج در تبلیغ قوانین، یک امر متعارف عقلی است و قانون، شریعت و حکم، برای اجرا در جامعه و انتظام بخشیدن به زندگی اجتماعی است و در صورت نبود ظرفیت بیان و اجرا، نه تنها کمکی به تنظیم روابط انسان ها نمی کند، بلکه ممکن است ارزش و اعتبار آن قانون و حکم نیز از بین برود. میرزای آشتیانی در الرسائل التسع نگاهی تربیتی به این موضوع می اندازد و در این باره می گوید:

«اسلام احکام خود را تدریجاً ارائه کرده تا در مردم میل و رغبت به پذیرفتن آنها به وجود آید؛ چراکه اکثر انسان ها انگیزه های قوی برای تن دادن به تکالیف ندارند و اگر سهولت رعایت نشود، از شریعت فاصله می گیرند» (آشتیانی، ۱۳۸۳، ص ۹۱).

شیخ انصاری با در نظر گرفتن مبنا در بیان تدریجی احکام می گوید:

«همان گونه که اصل بیان تکالیف به تدریج صورت گرفته و با اینکه همه مکلفان دارای تکلیف واحدند، تقیید و تخصیص برای ادله عام و مطلق هم تدریجاً صورت گرفته و مردم برای ترک برخی واجبات یا انجام برخی محرمات به اقتضای حکم ظاهری، آزاد گذاشته شده اند» (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۴، ص ۹۵).

بنابراین می‌توان گفت نه تنها «سیر تدریجی» تحول در رفتار انسان‌ها تا رسیدن به نقطه مطلوب دین، معقول تلقی شده، بلکه بالاتر از آن، امری لازم و ضروری شمرده شده است که بی‌اعتنایی به آن پیامدهایی منفی دارد. امام خمینی درباره پیامدهای منفی بی‌توجهی به سیر تدریجی تغییر و تحول در انسان‌ها می‌فرماید:

«بی‌توجهی به این سیر به "فساد" می‌انجامد. برای اینکه چنین فساد در جامعه اتفاق نیفتد و دین‌گریزی رخ ندهد، باید با بیان تدریجی احکام، گاه آنچه حرام است، آزاد گذاشته شود؛ چراکه اگر احکام شرعی یک‌باره صادر شود، موجبات فساد و تباهی در میان مردم را به وجود می‌آورد» (خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۶۴).

به دلیل چنین مصلحتی، شرع مقدس از احکام واقعی خود صرف‌نظر می‌کند تا مبدا اصرار بر رعایت «احکام واقعی»، بدون در نظر گرفتن زمینه‌های مناسب اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی به عوارض منفی از قبیل «دین‌گریزی» بینجامد. آیت‌الله خوئی در این زمینه می‌گویند:

«احکام دینی به تدریج بیان شده تا دین‌داری بر مردم تسهیل شده و به شریعت رغبت و تمایل پیدا کنند و این مصلحت تسهیل و ترغیب از مصلحت ملاکات واقعی احکام که از دست می‌رود، قوی‌تر و مهم‌تر است» (خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۸۳).

رسول خدا ﷺ بیشتر احکام را برای مردم بیان کرد؛ ولی به عللی همچون مساعد نبودن شرایط برای اجرای برخی احکام، بعضی از آنها را به همه مردم ابلاغ نکرد. از این رو برخی فقها معتقدند مصلحت الهی مقتضی آن است که تعدادی از احکام تا زمان ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی پنهان باشد و حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی آنها را به مردم ابلاغ و اجرا خواهد کرد و شاید مراد از روایاتی که می‌گوید امام زمان عجل‌الله‌تعالی دینی جدید می‌آورد، آشکار کردن این تعداد از احکام است. این مسئله، منافاتی با

وظیفه ابلاغ و همچنین ادله اکمال دین ندارد؛ زیرا اقتضای شرایط و محیط نزول و همچنین دوره کوتاه رسالت پیامبر ﷺ به طور طبیعی امکان اجرای همه احکام را میسر نمی کرد. از این رو تخصیص و تبیین برخی احکام به ائمه واگذار شد (نورمفیدی، ۱۳۹۴). یکی از چالش های جدی عصر حاضر و دوره غیبت معصوم نیز توجه به شرایط و مقتضیات و زمینه های اجرای احکام است؛ زیرا هر چند دوره تشریح را پایان یافته بدانیم، فرد و جامعه اسلامی در صدد اجرای تعالیم و احکام دین اند. رعایت تدریج، به منظور رفق و مدارا با اصول تربیتی قرآنی همخوانی دارد و همسو با سیره معصومان است و رعایت نکردن آن به جهت ظرفیت مختلف افراد، سطوح مختلف معرفت دینی و شرایط زندگی متفاوت زیان بار است؛ اما تعیین حد آسان گیری به منظور رفق و مدارا و موضع اجرای آن یکی از مهم ترین مباحث فقهی روز شمرده می شود (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۶).

نتیجه گیری

شیوه تدریجی تعلیم و تربیت قرآن بر اساس اصول سه گانه ظرفیت مخاطب، نوع معرفت و عمق تغییر بود تا جامعه، آمادگی کامل را برای جذب و پذیرش آن داشته باشد. روش قرآنی تربیت تدریجی در سیره نبوی و ائمه نیز ادامه یافت. آن ها نیز از همان اصول سه گانه بر اساس شرایط زمانی و مکانی محیط خود بهره بردند. تحلیل اصول سه گانه تعلیم و تربیت تدریجی بر مبنای عقلانی رفق و مدارا با مردم استوار است تا موجب تنفر و دین گریزی آن ها نشود. نکته مهم این است که هر چند عصر تشریح احکام با توجه به عدم حضور معصوم به پایان رسیده و دیگر نمی توان توقع داشت که در مورد بقیه انسان ها بار دیگر تشریح تدریجی رخ دهد، به لحاظ اجرای تدریجی برخی احکام، می توان به این اصول و روش تربیتی پایبند بود.

فهرست منابع

* قرآن کریم؛ ترجمه مکارم شیرازی؛

۱. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، (بی تا)، السیرة النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت، دارالمعرفه؛
۲. اسلامی، رضا، (۱۳۸۴ ش)، مدخل علم فقه ادوار، قم، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت؛
۳. اسماعیلی زاده، عباس و محمد مهدی آجلیان مافوق، (۱۳۸۹ ش)، «رهیافتی نو بر نحوه تعلیم اعتقادات، اخلاق و احکام در سیر نزول قرآن»، دوفصلنامه علمی علوم قرآن و حدیث، ش ۸۵، پاییز و زمستان، ص ۵۱-۸۴؛
۴. اعرافی، علیرضا، (۱۳۹۶ ش)، درس گفتارهای دروس خارج فقه تربیتی، قم، بازیابی شده از: <http://www.eshia.ir/feqh>؛
۵. امینی، مریم، (۱۳۹۵ ش)، «بررسی سیر تدریجی تبلیغ امر به معروف و نهی از منکر در قرآن»، همایش بین المللی علوم اسلامی علوم انسانی، آذر، تهران، نمایه شده در: www.sid.ir؛
۶. انصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۲۸ ق)، فرائد الأصول، چاپ ۹، قم، مجمع الفکر الاسلامی؛
۷. ایازی، محمدعلی، (۱۳۸۰ ش)، «درآمدی بر مبانی نظری آیات الاحکام»، فقه پژوهی قرآنی، تحقیق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، پژوهشکده فقه و حقوق، قم، بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛
۸. آشتیانی، محمدحسن، (۱۳۸۳ ش)، الرسائل التسع، قم، المؤتمر العلامة الآشتیانی؛
۹. بازرگان، مهدی، (۱۳۸۶ ش)، مجموعه آثار (۱۳)، سیر تحول قرآن (۲)، تهران، شرکت سهامی انتشار؛

۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ ق)، صحیح البخاری، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، شرح و تعلیق مصطفی دیب البغا، (بی جا)، دار طوق النجاة؛
۱۱. جعفری، فاطمه، (۱۳۹۴ ش)، «بررسی سیر تاریخی و جوب حجاب در صدر اسلام»، دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات پژوهشی زنان، دوره ۲، ش ۱؛
۱۲. جعفریان، رسول، (۱۳۸۲ ش)، تاریخ سیاسی اسلام، چاپ ۲، قم، انتشارات دلیل ما؛
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام؛
۱۴. حکیم، سید محمدباقر و محمدعلی لسانی فشارکی، (۱۳۷۸ ش)، علوم قرآنی، تهران، نشر تبیان؛
۱۵. خمینی، روح الله، (۱۴۱۸ ق)، تنقیح الأصول، تقریرات حسین تقوی اشتهااردی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه؛
۱۶. خوئی، ابوالقاسم، (۱۴۲۲ ق)، محاضرات فی أصول الفقه، تقریرات محمد اسحاق فیاض، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی؛
۱۷. _____، (بی تا)، البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی؛
۱۸. رامیار، محمود، (۱۳۶۹ ش)، تاریخ قرآن، چاپ ۳، تهران، امیر کبیر؛
۱۹. زرقانی، محمد عبدالعظیم (بی تا)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی جا، دار احیاء التراث العربی؛
۲۰. زرکش، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۰ ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفة؛
۲۱. سروش محلاتی، محمد، (۱۳۹۵ ش)، دولت و اجرای شریعت، چاپ ۲، تهران، نشر نی؛
۲۲. سعیدی، فریده، (۱۳۹۳ ش)، «حجاب»، دانشنامه جهان اسلام، نمایه شده در:

۲۳. سویلم، سامی بن ابراهیم، (۱۴۲۸ ق)، *فقه التدریج فی تطبیق الاقتصاد الاسلامی*، بی جا، بی نا؛
۲۴. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۲۱ ق)، *الایتقان فی علوم القرآن*، چاپ ۲، بیروت، دار الکتب العربی؛
۲۵. شهابی، محمود، (۱۴۱۷ ق)، *ادوار فقه*، چاپ ۵، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛
۲۶. طباطبائی، محمدحسین، (۱۴۱۷ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛
۲۷. عبدالمحمدی، حسین، (۱۳۸۵ ش) «سیره تبلیغی پیامبر خاتم ﷺ از منظر قرآن کریم»، مجله کوثر معارف، سال ۲، ش ۱، دی، ص ۸۵-۱۰۶؛
۲۸. فاضل لنکرانی، محمدجواد، (۱۳۹۲ ش)، *ربا در قرآن کریم*، تقریر و تنظیم سیدجواد حسینی خواه، قم، نشر مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام؛
۲۹. فیض کاشانی، محمدمحسن، (۱۴۰۶ ق)، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام؛
۳۰. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۱ ش)، *قاموس قرآن*، چاپ ۶، تهران، دار الکتب الإسلامیة؛
۳۱. قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، (۱۴۳۰ ق)، *القوانین المحکمه*، تحقیق رضا حسین صبح، قم، احیاء الکتب الإسلامیة؛
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ ۴، تهران، دار الکتب الإسلامیة؛
۳۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۶ ق)، *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*، تحقیق و تصحیح مهدی رجائی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی؛

۳۴. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ ق)، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، تحقیق و تصحیح حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، چاپ ۲، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور؛
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۸ ش)، *نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام*، تدوین و نگارش عبدالحکیم سلیمی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛
۳۶. معارف، مجید، (۱۳۸۳ ش)، *درآمدی بر تاریخ قرآن*، تهران، نشر نباء؛
۳۷. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۱ ش)، *علوم قرآنی*، چاپ ۴، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید؛
۳۸. _____، (۱۳۸۲ ش)، *تاریخ قرآن*، چاپ ۵، تهران، سمت؛
۳۹. _____، (۱۳۸۸ ش)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید؛
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه؛
۴۱. نسائی، أحمد بن شعیب، (۱۴۲۱ ق)، *السنن الکبری*، تحقیق حسن عبدالمنعم شلبي، بیروت، مؤسسة الرسالة؛
۴۲. نورمفیدی، سیدمجتبی، (بی تا)، *درس گفتارهای دروس خارج فقه (جلسه سی/م)*، قم، مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه، ۱۳۹۴/۰۹/۰۲، بازیابی شده از: www.m-noormofidi.com
۴۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج، (بی تا)، *صحیح مسلم*، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت، دار إحياء التراث العربی؛
۴۴. همت بناری، علی (۱۳۹۶ ش)، «درآمدی بر تحلیل تربیتی احکام فقهی، عرصه‌ای نو در تعلیم و تربیت»، *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، دوره ۴، بهار و تابستان، ص ۳۷-۶۲؛